

نگرش سنجی موانع ازدواج در بین دانشجویان

سارا علائی خرایم^۱، رقیه علایی^۲

^۱دانشگاه محقق اردبیلی / عضو بنیاد ملی نخبگان، alaei.sarah88@gmail.com

^۲دانشگاه لرستان، roghayeh.alaei.khoraem@gmail.com

چکیده

ازدواج یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی است که هم از تحولات جوامع تأثیر می‌پذیرد و هم بر تحولات خانواده تأثیر می‌گذارد. امروزه، نگرش جوانان به ازدواج، در گذار از سنت به مدرنیته دچار تغییرات چشمگیری شده و به دلیل بسیاری از موانع، جوانان راه ازدواج خود را هموار نمی‌بینند و از آن دوری می‌کنند. از این رو، هدف مطالعه حاضر، نگرش سنجی موانع ازدواج در بین دانشجویان دختر دانشکده‌ی فنی و مهندسی دانشگاه محقق اردبیلی می‌باشد. روش پژوهش، توصیفی-پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بر اساس مقیاس طبقه‌بندی لیکرت است. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانشجویان دختر دانشکده‌ی فنی و مهندسی دانشگاه محقق اردبیلی بوده که از بین آنان، نمونه‌ای به حجم ۱۰۰ نفر به شیوه تصادفی ساده انتخاب شدند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی (فراوانی، درصد، میانگین و آزمون مجذور کای) از طریق نرم‌افزار SPSS-19 استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد طبق نگرش دانشجویان، موانع ازدواج به ترتیب عبارتند از: موانع اقتصادی، موانع حاکمیتی و موانع فرهنگی. نتایج حاصل از این پژوهش، می‌تواند راهکارهای مناسب را در اختیار خانواده‌ها، مسئولان و دولت‌مردان قرار دهد تا برنامه‌ریزی‌های لازم را جهت تسهیل ازدواج انجام و ارزش‌های جوانان را از ازدواج هراسی و ازدواج گریزی به سمت ازدواج گزینی سوق دهند.

واژه‌های کلیدی

نگرش سنجی ازدواج، موانع اقتصادی، موانع حاکمیتی و موانع فرهنگی.

مقدمه

ازدواج، نوعی اتصال اجتماعی بین زن و مرد تلقی می‌شود که طبق تعاریف موجود، قراردادی اجتماعی، مبتنی بر توافق و سازش بین زن و مرد است و منجر به شروع یک زندگی مشترک می‌گردد [۱] و علاوه بر پاسخگویی به نیازهای جنسی و عاطفی، نیازهای اقتصادی، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی آنان را نیز تنظیم می‌کند و به خاطر تأثیرات مهم و مثبتی که دارد، هنجاری مثبت و پذیرفته شده در

تمامی کشورهاست. اما متأسفانه، در سال‌های اخیر، ازدواج و تشکیل خانواده برای جوانان به عنوان یکی از «مسائل اجتماعی و فرهنگی» مطرح است، چرا که عدم امکان ازدواج به یک مشکل اجتماعی در کشور تبدیل و منجر به بروز آسیب‌های گوناگون در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی شده است. طبق اطلاعات مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) ۳۴/۴ درصد مردان و ۲۶/۲ درصد زنان ایران هرگز ازدواج نکرده‌اند و وقتی به این آمار، تعداد افراد بی همسر بر اثر فوت و طلاق افزوده می‌گردد، تعداد افراد مجرد جامعه بسیار بیشتر می‌شود [۱]. این وضعیت موجب تضعیف بنیان‌های خانواده شده [۲] و پیامدهای منفی بسیاری در ابعاد مذهبی [۳]، روان‌شناختی [۴]، جامعه‌شناختی و فرهنگی [۵] در پی داشته است. به طوری که طبق مطالعات صمدی (۱۳۸۳)، یکی از مضرات تجرد دختران این است که معمولاً زنان و دختران بدون همسر و مجرد از نبود امنیت خاطر کافی در زندگی، محل کار و تحصیل رنج می‌برند. همچنین، آنان در اماکن عمومی، خیابان‌ها، مراکز خرید و تفریح امنیت کمتری دارند [۶]. علاوه بر این، در پژوهش تقوی (۱۳۸۳) در خصوص بررسی عوامل موثر بر اقدام به خودکشی، یکی از عوامل اصلی و مهم اقدام به خودکشی در جوانان، فراهم نشدن زمینه‌ی ازدواج آنان بود [۷].

در حال حاضر، تعداد زیادی از جمعیت جوان کشور را مجردها تشکیل می‌دهند و آسیب‌های ناشی از تجرد جوانان می‌تواند بر دامنه ناهنجاری‌های اجتماعی بیفزاید. در واقع، وقتی جوانی مجرد می‌ماند و به هر دلیلی توان ازدواج ندارد، بدون تردید تأمین نیازهای خود را در جای دیگری جستجو خواهد کرد و طبیعی است اگر برنامه‌ریزی در این زمینه، وجود نداشته باشد درصد زیادی از جوانان با جابجایی نیازهای خود، در مسیر انحرافی قرار خواهند گرفت و با مشکلات روحی و روانی که دامنگیر آنان می‌شود، هر روز جامعه باید شاهد افزایش آمار اعتیاد، بزهکاری، بی بند و باری، بد اخلاقی، پرخاشگری و شیوع انواع بیماری‌های جسمی و روانی در بین جوانان باشد [۴]. پس می‌توان گفت که ازدواج یکی از پایه‌های حفظ سلامت جامعه می‌باشد، که این خود، اهمیت پرداختن به مسائل مربوط به ازدواج را روشن می‌سازد.

از طرف دیگر، امروزه، شاهد هستیم که وقتی مساله ازدواج در خانواده‌ها و در میان جوانان مطرح می‌شود، غالباً به جای اینکه افراد به ضرورت این امر بیندیشند، تصویری مبهم و در واقع کوهی از